جایگاه نگاه ترکیب گرا و تحلیل گرا در حل مساله

(9:18)

مسأله را تحلیل کنیم. اگر تحلیل نکنیم مسأله بهخوبی باز نمیشود. به ذهنم مثالی آمده بود. در کار علمی خودتان حتماً باید سعی بفرمایید تا در ابتدا ذهنتان را تحلیل گرا بار بیاورید. نگاه ترکیبی را خداوند به ذهن همه داده است. خوب هم هست. اگر نباشد نقص است. ولی خداوند آن را به همه داده است. نگاه تحلیلی را یک محقق نیاز دارد؛ یک محصل نیاز دارد. محصلی که ابنسینا میگوید. ابنسینا هر کجا میگوید محصلین، یعنی محققین. تحصیل در لسان مشائین بهمعنای محققین است. مثل اجماع محصل، به این معنا است که بهدنبال تحقیقش رفتند. خب آن چیزی که محصل را جلو میبرد تحلیل است. من مثال ماشین به ذهنم آمد.

شاگرد: مقصود شما از ترکیب چیست؟

استاد: نگاه کل گرائی است. ترکیب، نگاه کل گرا است. یادتان هست که مکرر این مثال را گفتم؛ پدر و مادر اسم بچه خود را زید میگذارند. چه لفظی از زید را بهعنوان اسم بچه خود میگذارند آن چه که اسم بچه آنها است، لفظ زیدی است که از دهن مادر در میآید؟ یا لفظ زیدی است که از دهان پدر در میآید؟ کدام یک از اینها اسم او است؟ همه فوری میگویند: هیچکدام. طبیعی لفظ زید را برای بچه خود اسم میگذارند. این خیلی واضح است. الآن ذهن شما یکی از موارد واضح کل گرائی را انجام داد. میگویید: لفظ زید یک طبیعی دارد. طبیعی یعنی همان لفظی که اگر پدر هم بگوید یک فردی از آن است؛ اگر مادر بگوید یک فردی از آن است. اگر در ذهن مادر بیاید، یک وجود ذهنی از آن است. آن اصل طبیعی لفظ زید اسم او شده است. خب تا اینجا همه ناظرین به این مثال قبول کردهاند که لفظ زید یک طبیعی دارد.

خب گام بعدی؛ میگفتیم خود زید چند حرف است؟ ز، ی، د. آن طبیعی زیدی که آنها برای بچه خود اسم گذاشتند، چه «ز»ای جزئش است؟ آن «ز»ای که از دهان پدر در میآید؟ آن «ز»ای که از دهان مادر در میآید؟ ای طبیعی «ز»؟ طبیعی «ز» است. این هم واضح است ولی قبلش که طبیعی زید را گفتید، شما اصلاً توجه ندا‌شتید که در خود زید، سه طبیعی دست به دست هم داده است. طبیعی زید را بهعنوان یک طبیعی بسیط در نظر میگرفتید. به این نگاه ترکیب گرا و کل گرا میگوییم.

شاگرد: ترکیب گرا اصطلاح خود حضرت عالی است؟

استاد: در قبال تحلیل است.

شاگرد: در نگاه مستمع اصطلاح کل راحتتر است.

استاد: هر ترکیبی یک کل میآورد. وقتی شما با زید مواجه میشوید میگویید زید را دیدم. این همه در کلاسها میگوییم «زید موجود»، ولی به ذهن شما اصلاً نمیآید که وقتی میگوییم «زید موجود» یعنی «راسه»، «عینه» و «اذنه» موجود است. لذا میگویید وجود بسیط است، وجود واحد است. وقتی

می‌گویی‌م «زید موجود»، کاری ندارید به [اجزاء آن]، این نگاه ترکیب گرا است.

نگاه ترکیبی و کل گرا را خداوند به ذهن همه داده است. نگاه جلیل است. اما وقتی انسان بخواهد در علمیت پیشرفت کند، حتما ً نیاز دارد که نگاهش تحلیل گرا باشد. اگر به این صورت نشود، کم‌بود دارد. تحلیل گرا یعنی یک موضوع واحد را به اجزائش باز کند. مجزا کند. شروع به نگاه کردن به جزئیات آن بحث کند. و اذا عرض کردم که مثالش به این صورت به ذهنم آمد. اگر مسائل و فضای علمی را به یک ماشین تشبیه کنیم، نگاه تحلیلی به‌منزل موتور ماشین است. نگاه ترکیبی کل گرا به‌منزل چراغ این ماشین است. اگر ماشین ایستاده باشد، چراغش روشن است و یک محدوده‌ای را هم می‌بینند. ولی ثابت است. همینی که می‌بینید همین است. اگر موتور روشن شد و پیش برد، یعنی شما تحلیل را درست اعمال کردید، نه اینکه ماشین از چراغ بینایی می‌شود، بلکه اصلا ً مکمل هم هستند. هر وقت نگاه ترکیبی نباشد نقص کار است. اما وقتی تحلیل آمد، فضای علمی را جلو می‌برد. با پیشرفت فضای علمی که موتور تحلیل آن را جلو می‌برد، شروع می‌کنید با اعانه نگاه کل گرا و ترکیب گرا، فضاهای جدید را می‌بینید و تصمیم جدیدی می‌گیرید.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 16:21:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 16:22:26 توسط ... .